



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Tzedek: Justice and Compassion

Devarim

دواریم

تصدک: عدالت و شفقت

وقتی موسی خطابه های پایانی خود برای نسل آینده را آغاز می کند، به موضوعی می پردازد که بر کتاب پنجم موسی حاکم است، عدالت:

من در آن زمان، به قضات شما چنین آموختم: "به هموعان خود گوش بدهید و با عدالت حکم کنید [تصدک] میان هر فرد و برادرش یا غریبی. نباید هنگام قضاوت، جانبدار باشی. همسان به کوچک و بزرگ گوش بده. از هیچ کس نترس، زیرا قضاوت به خدا تعلق دارد. هر امری که برای تو بیش از حد دشوار است، نزد من بیاور و من آنرا می شنوم."

تصدک، عدالت، کلیدواژهی سفر دواریم است - مشهورتر از همه جا در این آیه:

عدالت. عدالت را باید پی بگیری تا رشد کنی و سرزمینی که خداوند، خدای تو به تو داده را تسخیر کنی.

تثنیه ۱۶:۲۰

تکرار کلمه‌ی تصدک و مشتقات آن مانند تصداکا [صدقا- صدقه] در پنج کتاب موسی به هیچ روی اتفاقی نیست. این واژه در کتاب های اول و پنجم تورات با دفعات بالا تکرار می شود: در سفر پیدایش (۱۶ بار) و سفر تثئیه (۱۸ بار). در سفر خروج تنها ۴ بار و در سفر لاویان ۵ بار تکرار می شود. همگی در دو باب متمرکز شده اند: خروج ۲۳ (۳ یا ۴ بار در دو آیه ۷-۸: ۲۳) و لاویان ۱۹ (۵ بار در باب ۱۹). در سفر اعداد این واژه دیگر تکرار نمی شود. این توزیع واژگانی یکی از چندین گواه است بر این که پنج کتاب موسی از یک ساختار ادبی ABCBA پیروی مهی کند:

A پیدایش - ماقبل تاریخ اسرائل - گذشته‌ی دور

B خروج - سفر از مصر به کوه سینا

C لاویان - قوانین تقدس

B اعداد سفر از کوه سینا به ساحل رود اردن

A تثئیه - پساتاریخ اسرائل - آینده‌ی دور

بن مایه‌ی تکرار شونده‌ی تصدک/ تصداکا در نقاط کلیدی این ساختار پدیدار می شود - دو کتاب اول و پنجم یعنی پیدایش و تثئیه و باب مرکزی، لاویان ۱۹. به روشنی، این واژه، بن مایه‌ی مسلط بر کل پنج کتاب موسی است. این به چه معنا است؟ تصدک/ تصداکا را به سختی می توان ترجمه کرد، زیرا دارای سایه روشن های معنایی بسیاری است: عدالت، کمک خیریه، راستواری، صداقت، مساوات، انصاف، و بیگناهی. بی تردید بیشتر از عدالت حقوقی معنا دارد، زیرا برای آن مفهوم تورات از واژه های میشپاط و دین استفاده می کند. یک نمونه این امر را توضیح می دهد:

اگر فردی فقیر است، بالاپوش او را یک شب پیش خودت نگه ندار. غروب آنرا به او بده تا بتواند در آن

بیا ساید و تو را دعا کند. این کار تو تصداکا خواهد بود در پیشگاه خدایت. تثئیه ۱۲-۱۳: ۲۴

تصداکا نمی تواند در این آیه به معنای عدالت حقوقی باشد. بلکه از وضعیتی می گوید که فرد فقیر تنها یک بالاپوش داشته و آنرا نزد طلبکار به عنوان وثیقه گرو گذاشته و وامی گرفته است. طلبکار از نظر حقوقی حق نگه داشتن بالاپوش را تا زمان پس گرفتن قرض دارد. اما عمل کردن بر اساس این حق، خیلی ساده، کار درستی نیست. با چنین

رفتاری وضعیت فرد فقیر که چیزی برای گرم نگه داشتن خود هنگام شب ندارد، نادیده گرفته می شود. این نکته با بررسی باب ۲۲ خروج که در همین راستا است، روشتر می شود:

اگر بالاپوش همسایه ات را گرو گرفتی، آنرا تا غروب به او بازگردان، زیرا بالاپوش او تنها پوشش جسم اوست. با چه چیز دیگری بخوابد؟ وقتی او به درگاه من فریاد برآورد، خواهم شنید، زیرا من شفقت دارم.

خروج ۲۵-۲۶: ۲۲

همین وضعیت که سفر تنبیه آنرا به عنوان تصدکا معرفی می کند، در سفر خروج، شفقت یا خون نامیده می شود. زنده یاد اریه کاپلان تصدکا را در تنبیه ۲۴ "شایستگی خیرخواهانه" ترجمه کرده و آنرا به درستی "کار درست و شایسته" یا "عدالت آمیخته با رحمت" نامیده است.

در یهودیت، عدالت - تصدک در برابر میشپاط - باید با رحمت آمیخته شود. طنز تراژیک سخنانی پورتیا در نمایشنامه‌ی تاجر ونیزی [توضیح مترجم فارسی: اثر شکسپیر - شایلوک یهودی رباخواری است که از بدهکاری تعهد گرفته که اگر قرضش را پس ندهد، معادل گوشت تن او را بگیرد. شایلوک در دادگاه حق خود را می خواهد] به این دلیل بسیار وحشتناک است:

صفت رحم نشت نمی کند،

مانند باران ملایم از آسمان می بارد

بر مکان پایینتر: دوبرابر برکت می شود

هم آنکه می بخشد را برکت می کند و هم آنکه دریافت می کند را:

این (رحمت) در نیرومندترین نیرومندان، نیرومندتر است:

بر پادشاه بر تخت نشسته، از تاجش نیز نیکوتر می نماید؛

عصایش نیروی قدرت دنیوی را نشان می دهد،

صفت هیبت و شکوه را،

که ترس و بیم پادشاهان در آن جای دارد؛

اما رحمت فراتر از این سلطه‌ی عصا است؛

در قلب پادشاهان تاج می‌گیرد،

صفیتی از آن خودِ خداست؛

و قدرت زمینی تنها زمانی به خدا شبیه است

که رحمت، عدالت را رنگ ببخشد

پس ای یهودی،

اگرچه عدالت، دادخواهی توست، این را در نظر بگیر،

که در مسیر عدالت، هیچ‌یک از ما

رستگاری نخواهد یافت: ما برای رحمت دعا می‌کنیم؛

و همان دعا به ما می‌آموزد که همگی به

کردارهای رحمت آمیز پاسخ دهیم.

من این همه گفتم تا دادخواهی تو را ملایم سازم.

در اینجا شکسپیر کلیشه‌ی قرون وسطاییِ رحم مسیحی (توسط پورتیا) را بیان می‌کند که نقطه‌ی مقابل عدالت یهودی (توسط شایلوک) است. او یکسره غافل می‌ماند که عدالت و رحم در زبان عبری نه متضاد یکدیگر، بلکه تنگاتنگ یکدیگر در یک واژه بیان می‌شوند: تصداکا یا تصدک. شکسپیر با وجود فرهنگ غالب زمانه‌ی خود چگونه می‌توانست این را بداند؟

طنز ماجرا افزون می‌شود اگر بدانیم که خود زبان و تصاویر سخنرانی پورتیا درباره‌ی باریدن رحم همچون باران از آسمان از سفر تشنیه گرفته شده‌اند:

باشد که آموزه‌های من مانند باران ببارند

سخنان من مانند شبنم پاک کنند

مانند باران ملایم بر سبزه های تازه روییده

و مانند رگبار باران بر علفزار

کارهای صخره کامل هستند

زیرا همه ی راه های او عدالت هستند.

خدای وفاداری و کمال

او عادل و راستوار است تثییه ۲-۴: ۳۲

تضادی که به غلط در تاجر ونیزی میان یهودیت و مسیحیت نمایش داده می شود، گواهی ادبی است بر بدفهمی بیرحمانه از یهودیت در الهیات مسیحی تا زمان های اخیر.

پس چرا عدالت این اندازه در یهودیت نقش مرکزی دارد؟ زیرا بدون جانبداری است. قانون که در تورات تصویر می شود، هیچ تمایزی میان غنی و فقیر، قدرتمند و بیقدرت، بومی و غریب قائل نیست. تساوی در برابر قانون، در تورات به مؤلفه های انسانی در برابر خدا برگردان شده است.

تورات بارها تأکید می کند که عدالت بازیچه ی دست انسان نیست: "از هیچ کس نترس، زیرا عدالت به خدا تعلق دارد." چون عدالت به خدا تعلق دارد، هیچ گاه نباید آنرا مخدوش ساخت، نه با ترس، نه با رشوه یا فامیل سالاری. عدالت وظیفه ای گریزناپذیر و حقی نازدودنی است.

یهودیت، دین عشق است: تو باید خداوند، خدای خود را دوست بداری؛ باید ممنوعت را مانند خودت دوست بداری؛ باید غریب را دوست بداری. اما یهودیت همچنین دین عدالت نیز هست، زیرا بدون عدالت، عشق فاسدکننده می شود (زیرا در این صورت فرد به قوانین تن نمی دهد و اگر بتواند کسانی را که دوست دارد، امتیاز می دهد). یهودیت همچنین دین شفقت نیز هست، زیرا بدون شفقت، خود قانون می تواند نابرابری بیافریند. عدالت به اضافه ی شفقت مساوی است با تصدک، که نخستین پیش شرط یک جامعه ی متمدن است.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved